

صبح با شنیدن آواز گنجشک هایی که بر روی درخت بودند از خواب خوش زمستانی بیدار شدم؛ پرندگان زیبا با آواز خود خبر از رایحه ی جدیدی می دادند که به تازگی به مشامشان خورده بود. آن رایحه ، رایحه ی خوش بهار بود .

هنگامی که رایحه ی بهاری به مشام انسان می رسد ، انسان از لذت شوق و احساسی که به او دست می دهد گویی بال در آورده و پرواز می کند .

بهار در راه است ، نسیمی خوش بو به آرامی می وزد . گویی نسیم موهای درختان را شانه می کند و برف های سفید که مانند لباس بر درختان نشسته بودند را بر زمین می نشانند .

در آن هنگام باد پرده حجاب خورشید را کنار می زند و به آرامی با گرمای وجود خود زمین را در آغوش می گیرد و دانه های برفی که در زمین باقی مانده اند از شدت وجود محبت خورشید آب می شوند و به درون زمین می روند .

هنگامی که درختان از خواب زمستانی بیدار می شوند به گل های کوچک تر که همانند فرزندانشان هستند ندای بهار را می دهند و گل ها از شوق بهار سر از خاک بیرون می آورند و با سلام دادن به درختان و لبخند زدن به خورشید آمدن بهار را جشن می گیرند .

در آن لحظه گل با فرا رسیدن بهار برای دادن هدیه به پروانه ها و زنبور عسل ها غنچه می کند و شکوفا می شود .

منبع انشا: [ansha.ir](http://ansha.ir)

گردآوری شده توسط: [ensha.org](http://ensha.org)